

خطر مرگ زندگی زندانیان سیاسی زن را تهدید می کند! برای نجات آنان شتاب کنید!

دانشگاه‌ها همچنان یک سنگر جوشان

سال پیش در جریان سفر نیکسون به ایران پیش پای وی قربانی شدند عزم خود را در مبارزه بخاطر آزادی و ترقی اجتماعی به نمایش گذاردند و مخالفت خود با نظام سرمایه داری وابسته و گسترش مناسبات نابرابر و استقلال شکن با امپریالیسم جهانی را صریحا اعلام کردند.

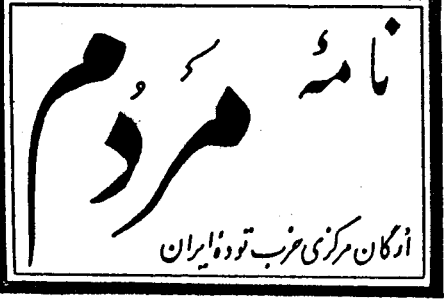
موضع مترقی دانشجویان در قبال سیاست ارتجاعی رژیم خشم زمای ج.ا.ی را برانگیخته است. میزان این خشم آنچنان بالا است که برخی از اهرمداران اصلی رژیم حتی قادر به تحمل یکتا تشکیلات رسمی دانشجویی "دفتر تحکیم وحدت" نیز نیستند و مسئله تحت پیگرد قانونی قرار دادن اعضای موثر آن را در محافل خود طرح می کنند.

پدنیال بالا گرفتن مبارزات صنفی و سیاسی دانشجویان در ماههای اخیر وزیر کار آشکارا اعلام کرد که نباید اجازه داد تا دانشجویان "بر سر کمبودهای جزئی سر و صدا راه بیاندازند و از هر مسئله جزئی مسئله سیاسی ایجاد کنند" (کیهان ۱۰/۹/۶۷). از لحاظ قانونی و حقوقی مبارزات صنفی و سیاسی دانشجویان کوچکترین ربطی به وزیر کار ندارد و آنچه موجب هراس و خشم وی شده تاثیر گذاری متقابل و بلاواسطه جنبش دانشجویی، بقیه در ص ۲

سردمداران ج.ا.ی همه تلاش خود را بکار بسته اند تا دانشگاه را به محیطی کاملاً بسته و بیگانه از امور سیاسی بدل سازند. از نقطه نظر حکام ج.ا.ی علیرغم گفتار، قشر دانشجو "لایق دخالت در امور سیاسی کشور" نیست و یگانه وظیفه اش پرداختن به "درس و مشق" است.

رژیم از یکسوی کوشند تا از راهیابی دانشجویان دگر اندیش به دانشگاه جلوگیری کنند. زیرا حضور آنها در دانشگاه راه مترادف با تبدیل این محیط پویای آموزشی به عرصه نبرد سیاسی علیه ارتجاع می دانند و از سوی دیگر تلاش می ورزند تا دانشجویانی را که از هفت خوان "آزمون ایدئولوژیکی" گذشته و به موسسات عالی آموزشی راه می یابند از سیاست دورنگه دارند.

اما واقعیتهایی که بویژه در دوره اخیر در موسسات آموزش عالی کشور روی داده موبد آن است که تلاش رژیم برای جداسازی دانشگاه از سیاست با شکست کامل مواجه شده است و دانشجویان کشور ما که اکثرشان از میان زحمتکشان و اقشار میانی جامعه برخاسته اند نقش شایسته ای در مبارزه علیه استبداد حاکم بر کشور ایفا می نمایند. دانشجویان، روز ۱۶ آذر سال جاری، ضمن گرامی داشت خاطره سه دانشجوی شهید دانشکده فنی دانشگاه تهران که ۲۵



شماره ۲۴۲۰ دوره هشتم سال پنجم
په‌شنبه ۱۳۶۷/۱۰/۲۷ بهای ۲۰ ریال

خیمه شب بازی جدید

این روزها بر سر "فعالیت احزاب و گروههای سیاسی" سر و صدا و زیادی براه افتاده است. رژیم از این سر و صداها دو هدف را دنبال می کند. یکی اینکه با تبلیغات فریبنده و وعده های بی اساس در زمینه فوق، افکار عمومی را از قتل عام زندانیان سیاسی کشور منحرف سازد. دیگر اینکه با تشکیل برخی احزاب فرمایشی و دادن حق السکوت فعالیت "علنی" و "آزاد" به نیروهای معینی که حاضرند بطور کژدار و مریز زیر لوای حاکمیت ارتجاعی در عرصه "سیاست" پرو بیانی داشته باشند، از دامنه تبلیغات ضد خود بکاهد. در عین حال رژیم می کوشد با یک سری حرکت های نمایشی نظیر "محافل غربی" را به خود جلب کند. بنابراین، دادن آزادی سیاسی به احزاب و سازمانهای واقعا مستقل و دارای اساسنامه و مراننامه مغایر با سلیقه خیمینی و پیروان قدرتمند او در رأس حاکمیت ج.ا.ی اصلا مطرح نیست. نمی توان صداها دگر اندیش را که "گناه" بزرگشان پای بندی به عقاید سیاسی و آرمانهای انقلابی خویش است حلق آویز کرد و یادر برابر جوخه آتش فرار داد و در همان حال سخن از آزادی فعالیت احزاب گفت. بین این دو شیوه عمل تناقض وجود دارد و یکی دیگری را نفی می کند.

رژیم ج.ا.ی مثل سلف خود، رژیم شاه، که وعده آزادی در چارچوب "رستاخیز" رامی داد، از نیروهای مورد نظر خود می خواهد "با ثبت های خالص اسلامی و ملی (!) در مسیر تحقق منافع ملت (بخوان: حاکمیت مطلق روحانیون و طرفداران آنان) کام بردارند." در غیر اینصورت به آنان تهمت افتادن "به کام بیگانگان و عوامل ناسازگار" زده خواهد شد، چنانکه همین امروز توده ایها را با چنین تهمت های "سیا" ساخته ای در برابر جوخه تیرباران قرار می دهند. این در حالی است که خائنان و جاسوسان واقعی و دست پروردگان و ریزه خواران سازمانهای جاسوسی امپریالیستی، بویژه آمریکائی، حساس ترین و کلیدی ترین مسئولیت ها را در ج.ا.ی به عهده دارند. بقیه در ص ۲

اعتصاب غذای زنان در آلمان غربی

در اعتراض به موج کشتارهای جمعی زندانیان سیاسی و کارزار همبستگی با فرزندان دربند خلق ایران و نجات زنان زندانی از سلول های مرگ، اعضا و هواداران تشکیلات دمکراتیک زنان ایران در کلن (آلمان غربی) دست به اعتصاب غذا زدند. این اعتصاب غذای سه روزه که صبح روز ۱۱ ژانویه آغاز گردید، عصر روز ۱۲ ژانویه پایان یافت.

شرکت کنندگان در اعتصاب غذا، در روز ۱۴ ژانویه در مرکز شهر کلن به تظاهرات پرداختند و

اعلامیه هایی را حاوی هشدار پیرامون خطری که جان زنان زندانی سیاسی را تهدید می کند، پخش کردند.

خواست های زنان اعتصابی عبارت بود از:

- توقف صدور احکام اعدام
- آزادی زندانیان سیاسی
- اعزام یک هیئت حقوقی و پزشکی بین المللی برای بررسی وضع زندانیان سیاسی.

در روزهای برگزاری اعتصاب، تعداد زیادی از سازمان های سیاسی و شخصیت های اجتماعی با زنان اعتصابی ابراز همبستگی کردند. این سازمان ها و شخصیت ها از طریق ارسال پیام هایی برای مجامع گوناگون بین المللی، پشتیبانی خود را از خواست های اعتصابگران اعلام داشتند. بقیه در ص ۵

در اعتراض به موج کشتارهای جمعی زندانیان سیاسی و کارزار همبستگی با فرزندان دربند خلق ایران و نجات زنان زندانی از سلول های مرگ، اعضا و هواداران تشکیلات دمکراتیک زنان ایران در کلن (آلمان غربی) دست به اعتصاب غذا زدند. این اعتصاب غذای سه روزه که صبح روز ۱۱ ژانویه آغاز گردید، عصر روز ۱۲ ژانویه پایان یافت.

شرکت کنندگان در اعتصاب غذا، در روز ۱۴ ژانویه در مرکز شهر کلن به تظاهرات پرداختند و

شادباش

رفیق ارجمند هربرت مپس بنام کمیته مرکزی حزب توده ایران انتخاب دوباره ات را به سمت صدر "حزب کمونیست آلمان" شادباش می گویم.

اعتقاد راسخ ما اینست، که حزب شما همچنان پیشگرا نه در راه صلح و پیشرفت اجتماعی خواهد رژیمید و در این مبارزه کماکان از همبستگی ما برخوردار خواهید بود.

دبیر اول، علی خاوری

مظهر حجب و از خود گذشتگی
در ص ۵

شهادت یک دانشمند مردمی
در ص ۴

ما راه پر افتخار شهیدان نوده ای را ادامه خواهیم داد!

خیمه شب بازی

رفسنجانی در یک مصاحبه مطبوعاتی در پاسخ به سؤال یک خبرنگار خارجی در این زمینه که "اگر فعالیت احزاب در جمهوری اسلامی آزاد شود آیا این آزادی شامل حزب کمونیست هم خواهد شد" گفت: "فکر می‌کنم اگر حزب کمونیست بخواهد با آرمان ضدخدائی فعالیت کند، اجازه فعالیت ندارد. اما اگر آنها بخواهند به صورت فلسفه اقتصادی و تشکیلاتی (۴۱) فعال باشند اشکالی ندارد". وی تأکید کرد که "ماتریک قانون اساسی خود اجازه تبلیغات ضدخدائی را به هیچ حزبی نمی‌توانیم بدهیم". از رفسنجانی و امثال او، این دشمنان قسم خورده نیروهای مترقی و انقلابی، بویژه کمونیستها - جز چنین پاسخهای عوام فریبانه و پیشرفته‌ای نمی‌توان انتظار داشت. وی که با ردیف کردن انواع سفسطه‌ها می‌خواهد کشتار کمونیستها و دیگر نیروهای مترقی در زندانها را لاپوشانی کند، در برابر خبرنگاران خارجی تظاهر می‌کند که رژیم ج. ا. حتی با "حزب کمونیست" مخالفتی ندارد، به شرط آنکه از فعالیت "ضد خدایی" خود که مغایر با قانون اساسی است دست بردارد. وی صرفنظر از لاپوشانی قتل‌عام زندانیان سیاسی - که بخش مهم آنان از اعضای حزب ما و دیگر نیروهای پیرو سوسیالیسم علمی بودند - بایک تیر دو نشان می‌زند. به "غرب" می‌گوید که در ایران آزادی وجود دارد، حتی برای کمونیستها، در عین حال تلاش می‌ورزد تا احساسات توده‌های مسلمان را علیه کمونیستها برانگیزد.

در اینکه حزب توده ایران، از نظرگاه ایدئولوژیک بر اصول ماتریالیسم دیالکتیک و سوسیالیسم علمی تکیه می‌کند، تردیدی نیست. اما حزب ما که در طول بیش از ۴۶ سال حیات خونین خود همواره در راه آرمانهای انقلابی و حقوق زحمتکشان پیکار کرده است و از این پس نیز خواهد کرد، هیچگاه پایه تبلیغات خود را بر "آرمان ضد خدائی" قرار نداده و همواره به باورهای مذهبی زحمتکشان به دیده احترام نگریسته است. همین که ما در تبلیغات خود بر اتحاد با نیروهای مذهبی - سیاسی و انقلابی تأکید می‌کنیم و باطنی از آنان در زمینه برخی اهداف مترقی به نفع جامعه و زحمتکشان اختلافی نداریم، از واقعیت برشده ریشه می‌گیرد. در غیر اینصورت، مادر برخورد با این نیروها می‌بایستی اساس تبلیغات خود را بر آنچه که رفسنجانی ادعا می‌کند قرار می‌دادیم.

در میان اعضای حزب توده ایران چه بسیار کسانی بوده‌اند و هستند که پاداشتن باورهای مذهبی در راه تحقق برنامه و اهداف سیاسی و انقلابی آن مبارزه کرده‌اند و می‌کنند. در اسناد حزبی، هیچگاه نمی‌توان در آن جهت که رفسنجانی تبلیغ می‌کند به نکته‌ای برخورد.

واقعیت این است که رژیم ج. ا. بر اساس ماهیت عوام‌فریبانه خود، با سو استفاده از باورهای مذهبی توده‌ها و بقول رفیق شهید دکتر احمد دانش با عنوان کردن مسائل مبتدل و متاسفانه عامه گول‌زن مانند "کمو یعنی خدا" و "نیست یعنی نیست، به نیروهای که از آنان احساس ترس و وحشت می‌کند مارک "الحاد" و "ضدخدا" می‌زند. مهم نیست که این نیروها کمونیست و یا غیر کمونیست باشند، از نظر مدافعان پروپاقرص حقوق غارتگران اجتماعی مهم آن است که نیروهای یاد شده از حقوق زحمتکشان دفاع می‌کنند و در برابر کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان قد علم می‌سازند.

بنابراین، خود را ملزم می‌دانند که به آنان مارک "الحاد" بزنند. در این راستا امروزه برچسب "اسلام روسی" به کسانی می‌خورد که هیچ ربطی با کمونیستها ندارند، اما همین که بر عقاید خود پافشاری می‌کنند امثال ری شهری با چماق "اسلام روسی" به جنگشان می‌آیند و اگر از حد خود تجاوز کنند به زندان و تیرباران تهدیدشان می‌کنند، حتی اگر روحانی باشند و عمامه بر سر داشته باشند. بی دلیل نیست که خامنه‌ای در یکی از سخنرانی‌های اخیر خود با اشاره به اعدام گروهی از روحانیون، عمامه‌دارها را تهدید به مرگ کرد.

ماحصل کلام اینکه رژیم تاب تحمل عقاید مخالف خود را ندارد، وگرنه دست به کشتار زندانیان سیاسی نمی‌زد و شرط "نفی عقاید سیاسی" را برای ادامه زندگی تعیین نمی‌کرد. علت هم معلوم است. حاکمیت ج. ا. از نظر ایدئولوژیک و سیاسی همواره، بویژه در برابر نیروهای چون حزب توده ایران احساس ضعف کرده و این را در نظر داشته است و دارد که در صورتی که میدان فعالیت برای این نیروها باز باشد رژیم "اسلامی" با دشواریهای بسیار جدی روبرو خواهد شد.

این امر مسئله امروز و دیروز نیست، بلکه مسئله سالهاست. در مقطع انقلاب، همین که حزب توده ایران فعالیت علنی خود را آغاز کرد، دیری نپائید که توانست شعارهای خود را که با واقعیت‌ها و خواستهای عمومی مردم انطباق داشت به درون جامعه ببرد و نخیه زحمتکشان و نیروهای انقلابی را به خود جلب کند. حتی بسیاری از مسلمانان تحت جاذبه اندیشه‌های حزب قرار گرفتند. آیا اگر حزب ما، آنچنان که رفسنجانی ادعا می‌کند، به تبلیغ "آرمان ضد خدایی" می‌پرداخت، می‌توانست چنین نیروهای راه‌هوادارای، حمایت با هم‌زمانی در زمینه‌های معین با خود جلب کند؟ بی‌تردید، نه. در آن شرایط، هنگامی که مردم از طریق انتشارات حزب و برخورد با توده‌ایها با اندیشه‌های سازنده حزب آشنا شدند، دریافته‌اند که بین نقاش این نیروها و بیشتر عناصر تشکیل دهنده حاکمیت یک تفاوت کیفی وجود دارد. این امر رژیم را دچار وحشت ساخت و با توطئه‌های گوناگون ابتدا در راه محدود ساختن فعالیت حزب و سپس حمله و نفی فیزیکی آن تلاش ورزید. در انتخابات میان دوره‌ای دوره اول مجلس رژیم احساس کرد که امکان راه یافتن افرادی از حزب به مجلس بسیار است. این بود که نام کاندیداهای "خطرناک" را از فهرست مربوطه حذف کرد. سپس، پس از یورش به حزب، با سر هم کردن شوای تلویزیونی و زدن اتهامهای بی‌اساس، که در هیچ دادگاه و مرجع صلاحیت‌داری ارائه نشد و مورد تأیید قرار نگرفت، سعی کرد از مقبولیت و محبوبیت رو به گسترش حزب ما بکاهد. همه این توطئه‌ها به این دلیل بود که حزب ما، با وجود اشتباهات و نارسائی‌هایی که در کار خود داشت، بر خلاف تبلیغاتی که شد و هنوز هم می‌شود، از نظر ایدئولوژیک و سیاسی در موضع قوی‌تر و برتر قرار داشت و رژیم از جانب آن احساس خطر می‌کرد و هنوز هم می‌کند.

وزیر کشور بیهوده می‌کوشد رژیم جنایت پیشه را آزادیخواه معرفی کند. همه می‌دانند که در چارچوب "ضوابط و شرایط" تعیین شده از جانب رژیم هر نوع تفکر و حرکت مستقلی که با خواستها و منافع سران مرتجع حاکمیت اسلامی مخوان نباشد پایانی جز شکنجه و اعدام ندارد. باید این سخن وزیر کشور را جدی گرفت که "جامعه اسلامی ما به احزاب آینده، این نظام هشدار می‌دهد که از تجربه تلخ گذشتگان درس عبرت بگیرند...".

دانشگاه‌ها همچنان...

بر مبارزات صنفی و سیاسی زحمتکشان است. دانشجویان ایرانی طی چند دهه اخیر کارنامه درخشانی در مبارزه برای آزادی و عدالت اجتماعی دارند. آنها همواره به افشای سیاست ارتجاعی حاکم بر کشور پرداخته و نقش مهمی در روشنگری توده‌ها برای مبارزه علیه استبداد ایفا کرده‌اند. دست اندرکاران رژیم ج. ا. که قادر به برده‌پوشی واقعیت‌های مربوط به تاریخ درخشان مبارزه دانشجویی نیستند می‌کوشند تا این واقعیتها را واژگونه جلوه دهند. آنها از تحریف تاریخ جنبش دانشجویی از جمله این هدف را دنبال می‌کنند که از گرایش طبیعی قشر روشنفکر دانشجویی نیروهای چپ مانع به عمل آورند زیرا نیک آگاه هستند که نتیجه این گرایش تشدید مبارزات ضد استبدادی در محیط‌های آموزشی خواهد بود.

در همین رابطه است که برخی از عناصر رژیم واقعه ۱۶ آذر را تحریف می‌کنند و رفقای شهید توده‌ای مصطفی بزرگ‌نیا و شریعت رضوی و شهید احمد قندچی (هوادار چپه ملی) را مودیانه وابسته به خود و عنصری از "جنبش اسلامی دانشجویی" معرفی می‌کنند.

دانشگاه یکی از پویاترین محیط‌های اجتماعی در سراسر کشورهای جهان است و بنا به طبیعت خود - عرصه آموزش و پژوهش علمی آزاد - با استبداد در هر شکل آن ناسازگاری دارد. از طرف دیگر دانشجویان که از درک بالای مسائل گوناگون اجتماعی برخوردارند زودتر از سایر اقشار اجتماعی به عواقب ناشی از حاکمیت رژیمهای استبدادی پی می‌برند و در برابر ارتجاع صف آرایی می‌کنند. مبارزه دانشجویان ایران علیه ارتجاع در گذشته و حال و مبارزه کنونی دانشجویان در کره جنوبی، شیلی و... علیه استبداد حاکم در آن کشورها موید واقعیت یاد شده است.

دانشجویان ایران باید سنت والای دانشجویی پیکار علیه ارتجاع را پاس دارند و ضمن تلاش دائمی برای ایجاد تشکلهای مستقل دانشجویی برای پیشبرد اهداف صنفی خود، به مبارزه علیه رژیم "ولایت فقیه" شدت بخشند. مبارزه برای کسب حقوق صنفی، به دلیل تسلط حکومت ارتجاعی، ناگزیر شکل سیاسی بخود می‌گیرد و باید به مبارزه سیاسی فرا روید، زیرا در شرایط سلطه استبداد قرون وسطائی بر دانشگاهها، حتی دستیابی به حقوق عادلانه صنفی نیز بدون مبارزه سیاسی میسر نخواهد بود. باید تأکید کرد که مبارزه دانشجویی تنها در صورتی به پیروزی نهایی خواهد رسید که با مبارزه عمومی زحمتکشان و نیروهای مترقی کشور علیه رژیم "ولایت فقیه" همراه و هماهنگ شود.

درد بر زندانیان سیاسی

و رزمندگان راه آزادی

طبقه کارگر

آزادی هدیه‌ای نیست که رژیم دو دستی تقدیم مردم و نیروهای سیاسی کند. کلید آزادی در دست توده‌هاست. باید آنان را به میدان کشاند و رژیم جنایتکار را به زانو در آورد.

در فضای خفقان و وحشت

نبرد حق و ناحق

اواخر خرداد بود. گروهی از زندانیان توده‌ای زیر فشار مداوم قرار گرفتند تا در شوه‌های جدید تلویزیونی شرکت کنند. حاکمیت در جبهه شکست‌های مفتضحانه‌ای خورده بود و در نظر داشت که افکار عمومی را منحرف سازد. این فشارها به نتیجه نرسید. زندانیان مورد نظر زیر شکنجه‌های شدید قرار گرفتند. و نیز سلول‌ها را به ماده شیمیایی مسموم کننده‌ای آلوده ساختند. این واکنش‌های وحشیانه و غیرانسانی اعتراض وسیع زندانیان سیاسی را برانگیخت. اعتصاب غذا - که سازمان داده شده بود - رژیم را ناچار ساخت تا هیئتی را مامور رسیدگی به مسائل بند کند. یکی از رفقای توده‌ای نیز به نمایندگی از سوی رفقای هم‌بند خود انتخاب شد، تا توضیحات لازم را بدهد. "هیئت" پس از بررسی اعمال شکنجه را مورد تایید قرار داد، اما در مورد آلودگی سلول‌ها با ماده شیمیایی مسموم کننده سکوت کرد. رفیق توده‌ای خطاب به هیئت یاد شده گفت: "ما، در حالی که در دستان شما اسیریم، از حقانیت راه خود و از چهل و چند سال تاریخ حزب خود دفاع می‌کنیم، اما شما، در حالی که زندانبان هستید و ما اسیر شما هستیم، به دلیل عدم حقانیت خود نمی‌توانید از کارهای زشت و وحشیانه همکارانتان دفاع کنید". این سخنان منطقی و آمرانه پاسخی نداشت. نمایندگان هیئت سر به زیر انداختند و "بند" را ترک کردند.

"سرکش"ها را به "اوین" بردند

در هفتم مهرماه چند نفر از نزدیکان زندانیان سیاسی که موفق به ملاقات شده بودند، با حال نزار عزیزان در بند خود در "گوهردشت" روپرو می‌شوند. زندانیان می‌گویند که در مقابل چشمان چند نفر را به دار آویخته‌اند تا روحیه‌ها را خراب کنند. می‌خواهند همه زندانیان "سرموضع" را از بین ببرند. زندانبانان تاریخ بعدی ملاقات را ۶ و ۸ آذر (دو ماه بعد) تعیین کردند. به کسانی که عزیزان خود را در میان ملاقات شوندگان نیافتند گفتند: به "اوین" مراجعه کنید، گویا "سرکش"ها را به آنجا برده‌اند.

"۳۰۰ نفر اعدام شده‌اند"

در دو هفته اول آبان ماه، زندانبانان در پاسخ به خانواده‌های زندانیان سیاسی که برای پرس و جو درباره عزیزان در بندشان مراجعه

درفراخنای یاد و باورشان

حرامیان بر ققنوس شلیک می‌کنند.
فرزندان آتش
بی‌هراس از مذاپ گلوله‌ها
اسطوره‌های دانش عصر خویشند.

*

چه سنگین،

دلاورانه

آنان از آزمونی برمی‌آیند

که پدران و فرزندانشان

در هزاره‌های رنج و کار

از آن برآمده‌اند

*

برخیز

که بی رزم مشترک

ای شکوه‌مندی باور و غرور

فرزانتان بهروزی و تدبیر

در باغستان تاریخی خونچکان

، مثله می‌شوند

و برابریش جان‌ها

خشم

چنگ درمی‌اندازد

که ترانه و خنجر

اینک

دستان دل و جان ماست

که بر بستر خاراژین اندیشه‌های ما

سرودخوان حماسه است.

*

اینک که سیاوش خود آتش گداخته است

یال افشان سپیده

- خونشان هزار باغ ارغوان -

بر کاکل یاران می‌نشیند.

فرهاد

آذر ۶۷

یال افشان سپیده

- خونشان هزار باغ ارغوان -

بر کاکل یاران می‌شکند.

*

و ما بادستها، و با تن خویش،

حلقه‌های آتش را درو می‌کنیم.

ما از هر ترانه

کبوتری در پرواز

و با هر فریاد.... تیغی در کف،

بر سپاه خصم می‌تازیم.

*

مردانی که در ستاره زاده شدند،

هرگز نهیب مرگ

نگداختشان.

مردانی که خود ستاره‌اند،

با یال بلند سپیده

در فراخنای یاد و باورشان،

بر بلند تپه‌ها،

چه پهلوانانه،

صبورانه - برمی‌آیند.

*

زخمی عمیق بر جانتان

پای آبله

از رفتار

ابر ستبر دیدگان و دل مرا

جان مایه تشنگی نساختید،

که نخواستید حتی

خراش بریده زبانتان

باران دلدادگی‌ها را بیازارد

خونتان روینده‌تر از سیاوشان

جوشنده‌تر از توفان همه قلب‌های عاشق است.

*

اینک که سیاوش، خود آتش گداخته است

کردند، گفتند: اخیراً حدود ۳۰۰ نفر اعدام شده‌اند که به تدریج اسامی آنها را اعلام می‌کنیم. شما دیگر به اینجا مراجعه نکنید تا خبرنگاران کنیم.

خانواده‌ها را دست به سر می‌کردند

در جریان قتل عام زندانیان سیاسی داشا خانواده آنان در نهادهای گوناگون دست به سر می‌شدند. هر قسمت مراجعه کنندگان را به قسمت دیگر می‌فرستاد. مثلاً در "دادستانی" سرهنگی پرخاش کنان گفت: به من مربوط نیست، مراجعه کنید به دبیرخانه. دبیرخانه مراجعه کنندگان را دوباره به اتاق "سرهنگ" برگرداند. سرانجام با این وعده که فلان روز بیایید، آنان را از محل دادستانی خارج ساختند. نظیر چنین صحنه‌هایی در نهادهای گوناگون، از جمله دفاتر زندان‌های "اوین" و "گوهردشت" صدها بار اتفاق افتاد.

نامه خمینی به منتظری

در هفته دوم آبانماه، منتظری به جمعی از خانواده‌های زندانیان سیاسی می‌گوید: "دیگر پیش من نیائید". او از کشوری میزبانی می‌بیرود می‌آورد و می‌گوید: نگاه کنید، امام به من نامه نوشته و گفته: ما با هم راجع به زندانیان اختلاف داریم. شما در مورد زندانیان اظهار نظری نکنید. منتظری ادامه می‌دهد که من با مشکلات زندان آشنا هستم و در مورد زندانیان با شما هم عقیده‌ام.

پیش از قتل عام زندانیان سیاسی، شایع بود که "خلیفه چماران" دستور داده که تا حد ممکن زندان‌ها را خالی کنند. او تاکید کرده است، کسانی را که می‌شود آزاد کنید و کسانی را که تسلیم نمی‌شوند "پزنیید". این دستورالعمل با نامه‌ای که منتظری آن را نشان داده و از همه مهمتر با واقعیت قتل عام مطابقت دارد.

شهادت يك دانشمند مردمی



هر می داشت بویژه از دانشمندی مانند رفیق جودت که دارای معلومات غنی علمی و تجربیات وسیع در مسائل اجتماعی بودند هراس داشت و از این رو در نخستین هجوم خائنانه خود به حزب او را نیز روانه شکنجه گاه اوین کرد.

شش سال شکنجه و توهین و آزار مداوم، آنهم در سنین بالای هفتاد، آزمون همگینی برای رفیق دکتر حسین جودت بود، اما ارتجاع چنانیکار حاکم سرانجام بی برد که با شکنجه و محاکمه اینگونه شخصیت های دانشمند و دنیا دیده جز زبان چیزی نصیبش نمی شود. به این جهت تصمیم گرفت بدون محاکمه و بی سر و صدا این فرزند شایسته و والای خلق را نیز سر به نیست کند.

بدینسان رفیق دکتر حسین جودت، عضو کمیته مرکزی و عضو هیئت سیاسی وقت حزب توده ایران، طی کشتار همگانی زندانیان سیاسی به چوخه اعدام سپرده شد.

سیلی که در زندانهای جمهوری اسلامی از خون بهترین و شایسته ترین فرزندان خلق جاری شده است می تواند و باید بنیان رژیم "ولایت فقیه" را بر افکند.

مرداد و سالهای پس از آن، رفیق جودت از جمله رهبران حزب در کشور بود و از نزدیک مسئولیت های مهمی را به عهده داشت. در سال ۱۳۲۵ برای شرکت در پلنوم چهارم (وسیع) کمیته مرکزی بدستور حزب از کشور خارج گردید. در دوران طولانی مهاجرت، تمام وقت او مصروف امور حزبی می شد.

پس از انقلاب بهمین، رفیق جودت بلافاصله به مبین بازگشت تا تجربیات غنی انقلابی خود را در اختیار طبقه کارگر و جوانان آینده ساز کشور بگذارد. اما دستگاه ارتجاع قرون وسطایی که پاسو استفاده از باورهای مذهبی مردم و عوام فریبی، روز بروز گامهای خونین تری به سوی دیکتاتوری مذهبی

اعدام رفیق دکتر حسین جودت، یکی از پیشکوتان جنبش کمونیستی و کارگری را باید از جمله زشت ترین و شکنین ترین جنایات گردانندگان جمهوری اسلامی، بهنگام فاجعه ملی قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان سال جاری، بشمار آورد.

قتل خودسرانه یک انسان شریف و دانشمند و یک رهبر و مبارز خلقی راستین، که در طول مدت چهل و پنج سال یک لحظه نیز درفش دفاع از حقوق کارگران و دهقانان زحمتکش را بر زمین نگذاشت، چیزی نیست که بتوان آن را پاسکوت و تهدید از خاطره ها زدود.

رفیق دکتر حسین جودت در سال ۱۳۲۹ در شهر تبریز زاده شد. پس از پایان دوره دبیرستان برای ادامه تحصیل عازم فرانسه گردید و در آنجا موفق به گرفتن درجه دکتر در رشته فیزیک شد. هنوز پیش از شهریور ۱۳۲۰ سقوط دیکتاتوری رضاخان بود که او در دانشکده فنی دانشگاه تهران کرسی استادی فیزیک را داشت.

رفیق جودت در همان نخستین سالهای تشکیل حزب توده ایران - در ۲۲ اردیبهشت ۱۳۲۲ - به حزب پیوست و زندگی پر بار سیاسی خود را آغاز کرد.

در نخستین کنگره حزب (۱۳۲۲) بعنوان عضو کمیسیون تقطیش کل انتخاب گردید و در کنگره دوم (۱۳۲۷) به عضویت کمیته مرکزی برگزیده شد. سپس در پلنوم اول عضو هیئت اجراییه کمیته مرکزی انتخاب گردید و تا روز دستگیری در این سمت فعالیت داشت.

یکی از رشته های فعالیت سیاسی و اجتماعی رفیق جودت، شرکت در رهبری شورای متحده مرکزی کارگران و زحمتکشان بود. او که در هیئت عامله مرکزی و هیئت دبیران آن عضویت داشت، همیشه یکی از کارشناسان حزب در امور کارگری به حساب می آمد. در دوره های گوناگون انتشار مجله دنیا و ماهنامه با هفته نامه مردم مقالات او را پیرامون مسائل کارگری با نام اصلی یا با نام مستعار "برزو" و غیره می توان یافت.

به دنبال شکست نهضت آذربایجان در سال ۱۳۲۵، رژیم شاه برادر رفیق جودت را که افسر ارتش خلقی بود، اعدام کرد. او بمدت چند روز برای شرکت در مراسم یادبود برادرش به تبریز رفت و پس از بازگشت پانیرویی بیشتر، آنهم در حالیکه بسیاری رفیقان نیمه راه صفوف حزب را ترک می کردند، تمام وقت آزاد خود را به کار در شورای متحده مرکزی و حزب اختصاص داد. کوشی می خواست وظایف نیمه تمام برادر شهید خود را نیز به انجام رساند.

در جریان سو قصد به جان شاه در ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ و هجوم ناگهانی پلیس و ارتش به حزب، رفیق جودت نیز در همان روز بازداشت گردید. سپس او را در دادگاه نظامی محاکمه و به پنج سال زندان محکوم کردند. اما در سال ۱۳۲۹ رفیق جودت نیز همراه با دیگر رفقای رهبری از زندان قصر گریخت و از این لحظه زندگی او در شرایط مخفی شروع شد. در دوران اوج نهضت ملی کردن صنایع نفت و کودتای ۲۸

گوشه ای از يك گزارش قدیمی

جوانشیر را در حالی که به سختی راه می رفت در حمام دیدم. وضعیت دیگر رفقای رهبری این چنین یا بدتر بود. ریزش خون از بدن های متلاشی شده فرزندان شریف، خلف و باوفای مردم ایران، توام با فریاد پاسداران که می گفتند: برانکار بیایرید، آمبولانس حاضر کنید، دارد می میرد، بود."

"رفقا حجری و جوانشیر در پیدادگاه های رژیم با حضور تنها حاکم شرع و نماینده دادستان بطور همه جانبه جانانه از عملکرد و اندیشه های حزب دفاع کرده اند و به تمام اتهام ها جواب های معتدلی داده اند."

"رفیق باقرزاده در کمیته مشترک دست به خودکشی زد ولی موفق نشد. او دچار دردهای شدید عصبی، کمر درد و پادرد است. سیاتیک و آسم رفیق تشدید گردیده است."

"رفیق آگاهی، زمان دستگیری در اثر تیراندازی پاسداران به شدت زخمی شد. تنها خبری که از او دارم مربوط به خرداد ۶۲ است. رفیق زخمی ما را به سلول مجرد انداخته بودند. او مرتب فریاد می زد: من عبدالحسین آگاهی، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران هستم. فردا تیرباران خواهم شد. رفیق را چند بار به بازجویی بردند و بار آخر از بازجویی برنکشت."

"رفیق مهدی کیهان در دادگاه از حزب دفاع کرده است. او دچار ضعف شدید جسمی، ضعف شنوایی و دردهای شدید عصبی شده است."

"... روزانه تعدادی از رفقای حزب "حتی الموت" جیره کابل داشتند. شدت برخورد چنان بود که تعدادی از رفقا دست به خودکشی زدند. حاج امینی (سرشکنجه گر) کمیته مشترک" برای اینکه سنگ تمام بگذارد به اعدام های ساختگی اسیران نیز دست می زد.

مرا برای پانسان زخم های پاهایم مدت مدیدی، آخر شبها، به بهداری می بردند. چندین بار از زیر چشم بند شاهد بوم که پاسداران برانکاری را حمل می کنند. شبی از صدای ناله های متهمین که روی برانکار افتاده و سراپا لای پتو پیچیده بودند، حدس زدم که باید این رفیق کیهان و دیگری رفیق بهزادی باشد."

"رفیق شلتوکی را چند نفر در حالی که روی صندلی چرخدار حمل می شده و پاهایش مانند متکا بزرگ و ورم کرده و باندپیچی شده بود، دیده اند."

"رفیق حجری را که برایش جیره روزانه "حتی الموت" کابل گذاشته بودند، مجبور شدند سه بار به بیمارستان مرکزی زندان اوین منتقل کنند و پاهایش را جراحی نمایند. در اثر عواقب دستبند قبانی دست راست رفیق حجری تقریباً کار نمی کند."

"در اثر دستبند قبانی محتملا بین مهره های مچ دست رفیق جوانشیر فاصله افتاده است. دو ماه بعد از دستگیری نگارنده این سطور دوبار رفیق

درد بر زندانیان سیاسی و رزمندگان راه آزادی زحمتکشان ایران!

رفیق رفعت محمدزاده (اخگر)

مظهر حجب و از خود گذشتگی



هنگامیکه در سال ۱۳۲۹ ده تن از رهبران حزب توده* ایران از زندان قصر فرار کردند، نام یک افسر شهربانی که نقش اصلی را در تحقق نقشه* فرار ایفا کرده بود بر سر زبانها افتاد. افسر کشیک زندان، در حالیکه رفقا را برای انتقال به زندان دیگر* تحویل می داد، برای اینکه دیگر زندانیان سوگنی نهرند، بدون کلاه آنان را تا در زندان بدرقه کرد و از همانجا همراه آنان از محل خدمت خود گریخت. روز بعد در سراسر تهران دربارہ* این حادثه صحبت می کردند و هر تیزهوشی، دقت و شجاعت سازمان دهندگان آن آفرین می گفتند.

این افسر شهربانی کسی جز رفیق رفعت محمدزاده، عضو ساده* حزب نبود که بعدها، در سایه* پشتکار در تحصیل و خودآموزی تا بد آنجا رسید که مسئولیت اداره* مجله* دنیا - ارگان سیاسی-تنوریک حزب سه او اگذا شد. زندگینامه* رفیق محمدزاده که در سال ۱۳۰۴ زاده شده است، تا سال ۱۳۲۵ که وارد سازمان افسری حزب توده* ایران گردید، به زندگینامه* بسیاری از جوانان زحمتکش ایرانی می ماند که نمی خواستند و نمی توانستند تحمیلی برای خانواده های کم درآمد خود باشند و برای ادامه* تحصیل راهی جز ورود به ارتش یا شهربانی نداشتند.

اما این افسر شهربانی که بر اثر لمس کردن درد و رنج توده های خلق و به منظور کمک به آنان برای رهایی از اسارت و استعمار خارجی و استعمار وحشیانه* داخلی به صفوف حزب توده* ایران پیوسته بود، بزودی ثابت کرد که راه خود را پس از بررسی دقیق و همه جانبه و از روی اعتقاد کامل به درستی آن، برگزیده است. به همین جهت بود که رفیق محمدزاده از پذیرفتن هیچ ماموریتی، هر قدر هم خطرناک، برای کمک به مبارزه علیه رژیم وابسته* شاه سر باز نمی زد.

نخستین ماموریت حزبی او ایجاد ارتباط میان اعضای زندانی کمیته* مرکزی پس از بهمن ۱۳۲۷ با خارج از زندان بود که در جریان آن نقشه* فرار آنان از زندان ریخته شد و پاشرکت موثر خود او به مرحله* اجرا درآمد.

رفیق محمدزاده در سال ۱۳۲۰ پس از ماهها زندگی در شرایط کاملاً مخفی به خارج از کشور فرستاده شد. در مهاجرت او به تحصیل در رشته* اقتصاد سیاسی پرداخت و آن را با موفقیت به پایان رساند. نخستین کار حزبی او در مهاجرت ترجمه* مقالات مجله* صلح و سوسیالیسم به فارسی برای مجله* مسائل بین المللی بود. سپس عضو هیئت های تحریریه* "مردم" و "دنیا" شد و چندی بعد چنانکه اشاره شد، مسئولیت سازماندهی انتشار مجله* دنیا به عهده* او واگذا گردید. طی سالهای طولانی انتشار "دنیا" در مهاجرت، مقالات بسیار و باارزشی از "مسعود اخگر" - نام مستعار رفیق محمدزاده - در آن به چاپ رسیده است. او نه تنها در مسائل اقتصادی، بلکه در زمینه های سیاسی و اجتماعی نیز مقالات مستدل و آموزنده ای می نوشت.

در پلنوم پانزدهم کمیته* مرکزی، در سال ۱۳۵۴، رفیق "اخگر" به عضویت کمیته* مرکزی حزب توده* ایران درآمد. فکر بازگشت به ایران و کمک به خلق در مبارزه علیه امپریالیسم و وابستگی داخلی یک

"قانونی" جلوی انتشار نشریات حزب را بگیرند و هنگامیکه دیدند ترفندهایشان کارساز نیست و حزب در هر حال اندیشه ها و برنامه های خود را به گوش مردم می رساند تصمیم اهریمنی خود را درباره* هجوم همه جانبه به حزب توده* ایران به مرحله* اجرا گذاشتند و از جمله گردانندگان "دنیا" که رفیق محمدزاده یکی از آنان بود را راهی شکنجه گاهها و سیاهچالها کردند.

شش سال آزار ضربات تازیانه بدن بیمار و رشچور رفیق محمدزاده رامی آزد. اما او همچنان به آرمان خود وفادار ماند. سرانجام گردانندگان خیانتکار و چفایتکار رژیم "ولایت فقیه" که در یک جنگ بیپوده بمنظور صدور "انقلاب" هستی ونیستی خلق راه به داد داده بودند، پس از شکست مفتضحانه* برنامه های توسعه طلبانه شان، برای ترساندن مردم معترض و اادار ساختنشان به سکوت، فرزندان در بند خلق را خودسرانه به دار کشیدند و با به چوبه* اعدام بستند.

رفیق رفعت محمدزاده نیز یکی از قربانیان این چفایات حیوانی گردانندگان رژیم "ولایت فقیه" بود.

بیکمان مردم ایران خاطر: این انعدی محبوب و برکار و انسان از خود گذشته ای که تمام وجودش را وقف خدمت به کارگران و دهقانان زحمتکش کرده بود فراموش نخواهند کرد. نام رفیق محمدزاده، با آثار گرانبهای و با خصلت های والای انسانی بر ای همیشه زنده خواهد ماند.

لحظه نیز او راه نمی کرد. او در آنکت حزبی خود، ضمن پاسخگویی به این پرسش که "اکنون در ایران چه امکانات فعالیت علمی و نیمه علمی برای شما موجود است؟" می نویسد: "بعلت دوری و عدم آشنائی نزدیک شخصاً و بطور مشخص بپیشنهادی نمی توانم بدم. ولی در هر موقع و در هر شرایطی با دستور حزب برای انجام مراموریتی آماده هستم." و براسی در همان اولین روزهای پس از انقلاب بهمین، رفیق محمدزاده دیگر بار در تهران و در صفوف خلق بود. مجله* دنیا از آغاز به انتشار آزاد در کشور کرد. از همان نخستین شماره، شیوه* تکارش علمی و وزن سنگین آن در میان محافل روشنفکر مترقی، مایه* واکش خشم آلود کسانی گردید که انقلاب را تنها بمعنی تعویض شاه با خود می فهمیدند. ابتدا کوشیدند با تراشیدن موانع

نگ و نفرت بر بیدارگرانی که "حماسه های داد" را در خون می نشانند

هنرمندان، پشتوانه اعتبار و حیثیت این شورا بوده است. این شهیدان صاحب اندیشه و قلم، گناهی جز دگراندیشی نداشته اند. در عصری که جهان قرنهایست رفتار بربریت و قرون وسطایی را پشت سر نهاده است، در وطن ما، حاکمان تیره درون کژاندیش، بی باکانه با دوستان مردم چین می کنند.

ما نویسندگان و شاعران و هنرمندان ایران با اعلام انزجار از جنایت های حاکمان جمهوری اسلامی در کشتار جمعی زندانیان سیاسی، تلاش شما را در اعتراض و برانگیختن احساسات انسانی جهانیان تحسین می کنیم و با شما همگام و هم آهنگ هستیم.

گرومی از اعضای شورای نویسندگان و هنرمندان ایران در پاریس، با انتشار بیانیه ای کشتار زندانیان سیاسی کشور، بویژه "شهیدان صاحب اندیشه و قلم" را محکوم و نیز از تلاش "نامه مردم" در برانگیختن احساسات انسانی جهانیان قدردانی کردند. متن بیانیه چنین است:

"شورای نویسندگان و هنرمندان ایران، می داند که چه گنجینه های معرفتی را جمهوری نادان و فرهنگ ستیز "ولایت فقیه" به جوخه های اعدام سیرده است، زیرا وابستگی بسیاری از این نام آوران جان باخته با شورای نویسندگان و

کمک به زنان زندانی سیاسی در ایران، اختتام خواهد داد.

در روزهای اعتصاب، بطور مرتب، شورا با اعلامیه هایی از سوی زنان اعتصابی، دستور می گردید و همچنین اعتصابیون با شرکت در مصاحبه های مطبوعاتی و رادیویی دست به افشاکری علیه رژیم جمهوری اسلامی زدند. افکار عمومی آلمان غربی را در جریان فچایی که هر روز در درون سیاهچال های جهنمی خمینی می گذرد، قرار دادند.

اعتصاب غذای زنان

اعتصابگران پیام های همبستگی ای از جمله از سوی حزب کمونیست آلمان، حزب سبزها، سازمانها و انجمن های گوناگون ضدفاشیستی، سازمان جوانان حزب سوسیال دمکرات دریافت کردند. در عین حال، بانو ماشا بلانکنبورگ، یکی از رهبران بنام ارکستر در آلمان، ضمن ابراز همبستگی با زنان اعتصابی، اعلام داشت که در ماه مارس، درآمد یکی از کنسرت هایش را به

*

جهانیان کشتار جمعی زندانیان سیاسی ایران را محکوم می کنند

بیانیه هیئت سیاسی حزب کمونیست کارگری سوئد

بی ثباتی و ضعف رژیم رژیم ایران با درمناذگی و اتخاذ سیاست از سر راه برداشتن سیستماتیک مخالفان سیاسی خود و از طریق کشتن و بوجود آوردن جو ارباب و وحشت سی در ساکت کردن نیروهای مترقی و دمکراتیک دارد.

ما اعتراض خود را همراه با نفرت و انزجار علیه این وحشیگری اعلام می داریم و خواهان قطع سریع این اعمال دهشتناک هستیم.

ما خواهان اقدام هر چه سریعتر سازمان ملل برای متوقف کردن اعدامها و کک به هزاران زندانی سیاسی دیگر که در لیست کشتار رژیم مغفور اسلامی قرار دارند، هستیم.

ما از دولت سوئد می طلبیم که اعتراضات کشورمان را به اطلاع سازمان ملل و دیگر سازمانهای بین المللی برساند.

حزب کمونیست کارگری سوئد، در بیانیه ای که در ارگان مرکزی این حزب بچاپ رسید، ضمن محکوم کردن قتل عام زندانیان سیاسی ایران، خواهان اعتراض رسمی دولت این کشور به رژیم جمهوری اسلامی شد. متن بیانیه به قرار زیر است:

"به رئیس جمهور ایران به مجلس ایران بیانیه

در چند روز اخیر اطلاع یافتیم که رژیم اسلامی در ایران تعداد کثیری از زندانیان سیاسی را اعدام کرده است. در جریان این کشتار وحشیانه تعداد زیادی از اعضای رهبری حزب توده* ایران نیز بقتل رسیده اند. به نظر ما اعمال ضد انسانی و سبانه ای که علیه زندانیان سیاسی در زندانهای ایران صورت می گیرد در عصر حاضر هیچگونه نمونه مثالی ندارد.

وحشیگری ای که رژیم اسلامی به نمایش می گذارد در حکم فاشیسم است و نشان دهنده*

هیئت سیاسی
حزب کمونیست کارگری سوئد
روته پترسون
۱۹۸۸/۱۲/۵

سنای فرانسه و جنایات در ایران

بدین ترتیب، نظریه* وحشت آوری که بر اساس آن رژیم ایران تصمیم به "خانه تکانی" یعنی رها شدن از "ترمه" زندانیان سیاسی گرفته بود، تأیید می گردد.

فرانسه نمی تواند برای محکومیت و خاتمه دادن به این پایمال شدن خشن حقوق انسانی، صدای خود را بلند نکند.

چارلز لدرمن، سناتور کمونیست مجلس سنای فرانسه در نامه* مورخ ۲۰ نوامبر خود به رئیس مجلس نوشته است:

"آقای رئیس، همکاران گرامی! یادآوری و تذکر اینجانب مبنی بر ماده ۲۶* آئین نامه است.

در ایران، طی هفته های اخیر صدها زندانی سیاسی اعدام شده اند.

وحشت زدگی رژیم خمینی

تونی گیلبرت، دبیر کل "سازمان ضد امپریالیستی - ضد نژادپرستی" "لپهریشن" بریتانیا، در نامه* همبستگی به هواداران حزب توده* ایران در آن کشور می نویسد:

"با افزایش نیروی خلق ایران برای انتقام جویی از عناصری، که سالهاست به کشتار مردم دست می یازند، رژیم خمینی نسبت به سرنوشت خویش هر اس زده تر می شود. این وحشت، رژیم را بر آن داشته است، تا بهترین مردان و زنان ایران را بقتل برساند."

در پایان این نامه می خوانیم:

"ما پیمان می سپریم، که همه* کوشش خود را برای نجات دیگر قربانیان رژیم از چوبه* اعدام و چوخه* آتش بکار بریم. با نجات جان هر مبین پرست، روز جسته* پیروزی، آزادی و عدالت نزدیکتر خواهد شد."

نمایندگان حزب توده* ایران در فرانسه، حزبی که در سال ۱۹۸۲ آماج سرکوب وحشیانه رژیم اسلامی قرار گرفته بود، لیستی مرکب از ۲۲ تن از رهبران خود را که اخیرا اعدام شده اند، انتشار داده اند. در میان آنها نام دو عضو هیئت سیاسی، منوچهر بهزادی، سردبیر روزنامه* "مردم" و فرج الله میزانی، دیده می شود.

سازمان فدائیان خلق (اکثریت) نیز بنوبه* خود از اعدام ۵ تن از رهبران خود در زندانهای اوین و گوهردشت در تهران خبر می دهد.

از شهرهای مختلف ایران خبرهایی دال بر اعدام زندانیان سیاسی از سازمانهای گوناگون مخالف رژیم کنونی می رسد. ۴۰ نفر در زنجان، ۱۵۲ نفر در خرم آباد، ۱۴ نفر در بانه، ۱۴۴ نفر در کرمان، ۴ نفر در مهاباد...

گورهای جمعی پیوژه در (گورستان) خاوران، در نزدیکی تهران، کشف شده است. در آنجا زندانیان سیاسی را پس از اعدام مخفیانه دفن کرده اند.

حزب کمونیست اتریش

درهای زندانها را بر روی ناظران بین المللی بکشائید

فرانتس موری، صدر "حزب کمونیست اتریش"، در نامه ای به رفسنجانی نوشت:

"خبر موج جدید اعدامها در کشور شما راه لرزه در آورد. برابر با این خبر، از پایان جنگ خلیج تاکنون صدها انسان، اعضا* و فعالان احزاب مخالف، از جمله ۶ عضو هیئت سیاسی حزب توده* ایران، پس از بازداشت خودسرانه و بدون هیچگونه دادرسی در اعدام های جمعی بدست دولت شما بقتل رسیده اند."

در ادامه* این نامه می خوانیم:

"ما این نقض خشنونت آمیز حقوق بشر را بشدت محکوم می کنیم و بنام "حزب کمونیست اتریش"، قطع بیدرتنگ اعدامها و آزادی همه* زندانیان سیاسی ایران را خواستاریم. از شما می خواهیم، که به بازداشتها پایان بخشید و درهای زندانها را بروی ناظران بین المللی بکشائید."

اعتصاب غذا و تظاهرات در هالمو و استکهلم

به ابتکار "کمیته* دفاع از زندانیان سیاسی ایران" گروهی از نیروهای مترقی سوئد در شهر هالمو (سوئد) اعتصاب غذا کردند. در جریان اعتصاب غذا اعلامیه ای به زبان سوئدی پخش شد و گروه بزرگی از اقشار مختلف مردم و نیروهای سیاسی با حضور خود اعلام همبستگی کردند. در اولین روز اعتصاب شهر دارهالمونیز حضور یافت.

روزنامه های معتبر شهر بیاد شده با اعتصاب کنندگان مصاحبه کردند و در زمینه* اعدامهای اخیر در ایران مقالاتی منتشر ساختند.

همچنین "کمیته* موقت دفاع از حقوق بشر در ایران" در اعتراض به کشتار زندانیان سیاسی راهپیمائی و تظاهراتی در استکهلم سازمان داد. تظاهر کنندگان با حمل پلاکاردها و سر دادن شعار از میدان اصلی شهر و خیابانهای اطراف آن عبور کردند و خواستار توقف موج اعدامها شدند. کمیته* بیاد شده طی قطعنامه ای از دولت سوئد و پارلمان این کشور خواست که برای جلوگیری از ادامه* اعدامها، دولت ایران را تحت فشار قرار دهند. این تظاهرات در تلویزیون سوئد بازتاب یافت.

جلسه* همبستگی با حزب توده* ایران و بزرگداشت رفقای شهید توده ای در لندن در روز شنبه ۱۱ دسامبر با حضور نمایندگان احزاب برادر، اعضا* و هواداران حزب توده* ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) برگزار شد.

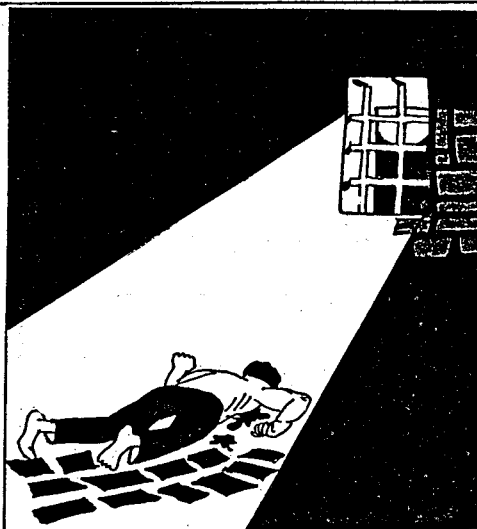
این جلسه به ریاست آقای تام سیبلی، نماینده* فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری در لندن، با شرکت نمایندگان احزاب برادر از بریتانیا، آفریقای جنوبی و عراق برگزار گردید.

رفیق چری پوکاک، دبیر کمیته* مرکزی حزب کمونیست بریتانیای کبیر، در سخنرانی خود ضمن محکوم کردن رژیم جنایتکار خمینی همبستگی حزب کمونیست بریتانیا با حزب توده* ایران را اعلام کرد.

رفیق مازلا، نماینده* حزب کمونیست

رفتار ضد انسانی

"چوانان کمونیست اتریش" در نامه ای به سفارت ایران در وین اعدامهای اخیر در ایران را محکوم کرد.
در این نامه آمده است:
"رهبری فدرال "چوانان کمونیست اتریش" علیه رفتار ضد انسانی رژیم با مخالفان دستگیر شده به شدت معترض است.
موج اعدام ها در زندانها با همه حقوق بشر و قوانین مغایرت دارد."
همین سازمان در نامه ای دیگر به دکتر آلویز موک، از وزیر خارجه اتریش خواست تا بنام دولت فدرال اتریش مراتب اعتراض خود را به رژیم خمینی ابراز کند.



افشای جنایات ج.ا. در اسپانیا

در پی فعالیت گسترده و هماهنگ توده ایها و فدایی ها، محافل اجتماعی، سیاسی و هیئته افکار عمومی اسپانیا در جریان اخبار و افشاکریهای مربوط به جنایات رژیم ج.ا. در زندانهای کشورمان قرار گرفتند.

در این زمینه ملاقاتهایی با کمیسیون حقوق بشر مجلس سنای اسپانیا صورت گرفت و از اعضای این کمیسیون خواسته شد تا مسائلی را با اطلاع اجلاس آینده کشورهای عضو بازار مشترک اروپا برسانند و در جهت انجام یک اقدام هماهنگ علیه ج.ا. تلاش ورزند.

کمیسیون حقوق بشر مجلس سنای اسپانیا در تماسی با نمایندگی دیپلماتیک اسپانیا در سفارت آن کشور در ایران، آنان را در جریان فحایحی خبری که در زندانهای کشورمان روی داده، قرار دادند و از آنان خواسته شد ضمن ابراز تکرانی از سیر این رویدادهای وحشتناک در ایران، جنایات رژیم ج.ا. را محکوم کنند.

همچنین دایره حقوق بشر وزارت امور خارجه اسپانیا ضمن ارائه اسناد و مدارکی از فحایحی که در ایران روی می دهد، خواهان مداخله دولت اسپانیا و اعمال نفوذ برای جلوگیری از ادامه این جنایات در کشورمان شد.

رفقای ما با شرکت در ۹ مصاحبه رادیویی، به پرسشهای خبرنگاران پیرامون مسائل مربوط به اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران پاسخ گفتند و از این طریق انزجار و تنفر شدید نیروهای انقلابی ایران نسبت به جنایات فجیع و وحشیانه حکام رژیم "ولایت فقیه" در ایران را پشوش مردم اسپانیا رساندند.

افشای گورهای جمعی در "ال پائیس"

نشریه "ال پائیس"، بهترین روزنامه چاپ اسپانیا، عکسی از یک گور جمعی در گورستان خاوران را که نشریه "نامه مردم" برای نخستین بار در تاریخ دهم آبان ۶۷ چاپ کرد، در قطع بزرگی انتشار داده است. در مطلبی که در پائیس این عکس تکانه دهنده آمده است، به موج اعدامهایی که رژیم ج.ا. علیه زندانیان سیاسی توده ای و فدایی بر اه انداخته است، اشاره کرده و تصریح می کند که این اعدامها که رقمی بین ۲۵ تا ۵۵ نفر را شامل می شود، از سوی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد و سازمان عقوبت المللی افشا گردیده است. در ادامه این مطلب از ۸۶ مورد اعدام از اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران و همچنین ۱۷ بهایی و روحانی یاد می شود.

رفیق ویلیام پومروی، کمیونست نامدار فیلیپینی، در پیامی از طرف کمیونست های فیلیپینی همبستگی پر شور کمیونست های این کشور را با مبارزات قهرمانانه حزب توده ایران اعلام کرد. همچنین پیامی نیز از جانب جنبش لیبریشن به امضا تونی گیلبرت (دبیر کل این جنبش) در جلسه خوانده شد.

آخرین سخنران جلسه نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران بود که در باره موج نوین اعدام ها و آخرین تحولات ایران، سخنرانی کرد.

اعتراض وسیع محافل اجتماعی و سیاسی بریتانیا علیه اعدامها در ایران

مجلس بریتانیا صورت گرفت و وی گفت که: "ما همه امکانات خود را در جهت اعتراض به این اعمال جنایتکارانه و متوقف کردن اعدامها بکار خواهیم گرفت و تلاش خواهیم کرد تا دولت بریتانیا را به اقدامات جدی در این مورد وادار کنیم..." وی گفت: "در نامه ای که ما به وزارت امور خارجه ارسال داشته ایم به موج نوین اعدامها، زیر پا گذاشتن حقوق بشر در ایران و عدم عکس العمل دولت پانویس تاچر در این باره شدیداً اعتراض کرده ایم..."

سازمان عقوبت المللی می نویسد که بعد از پذیرش آتش بس بطور حتم ۲۰۰ نفر در ایران اعدام شده اند.

این روزنامه می نویسد: "مهاجران ایرانی که حاضر نیستند نام خودشان را افشای کنند می گویند در ایران حمام خون بر اه افتاده است." "اکسپرس" از قول همسر یکی از قربانیان می نویسد: "در ماه اوت ملاقاتها ممنوع شد و بعد از دو ماه خبر رسید که شوهرش را در زندان قزل حصار اعدام کرده اند. زنان می گویند که چگونه ساعتها با هم منتظر شدند تا لباس و وسائل شوهرانشان را (از زندان) تحویل بگیرند."

بخش دیگری از گزارش "اکسپرس" نیز به گفتار نماینده سازمان ملل متحد اختصاص یافته است.

حمام خون در ایران

روزنامه "نورشنس فلامان"، ارگان حزب کمونیست کارگری سوئد در شماره ۱۷۰ دسامبر خود با استناد به گفته خانواده ها و بستگان زندانیان سیاسی ایران می نویسد که با کشتار زندانیان سیاسی، تقریباً زندانیان (ایران) خالی شده است. روزنامه یاد شده تعداد اعدامها را نامشخص اعلام کرده و افزوده که اعدامها در ماههای اوت و سپتامبر انجام شده است. حال آنکه خانواده زندانیان سیاسی بعد از اطلاع پیدا کرده اند.

"اکسپرس" بهترین روزنامه عصر سوئد نیز، در مقاله ای زیر عنوان "خمینی دوباره کشتار می کند، البته به اسم خدا"، با اشاره به گزارش

جلسه همبستگی با حزب توده ایران در لندن

خواهد نشست و دامن جنایتکاران حاکم را خواهد گرفت...

پیام های همبستگی پرشوری از رفقای افغانی و قبرسی در جلسه خوانده شد.
دبیر کل حزب کمونیست بریتانیا، مایک هیکر، در پیامی به جلسه اعلام کرد: "اجازه دهید تا ما عمیق ترین تسلیت های خود را به شما و خانواده های رفقای شهید اعلام داریم... ما سوگند یاد می کنیم که تمام توان خود را برای فشار آوردن روی دولت محافظه کار تاچر و در همبستگی با مبارزات قهرمانانه شما بکار ببریم...
زنده باد حزب توده ایران، سرنگون باد رژیم خمینی..."

آفریقای جنوبی در بریتانیا نیز ضمن سخنرانی پرشوری گفت: "رفقا مبارزه شما مبارزه ما است! از فدائیکاری و مبارزه قهرمانانه شما درس می گیریم... امروز خمینی با شمشیرش خونهای تازه ای بر خاک ایران ریخته است، خون کمیونست های ایرانی، خون رفقای را که سالیان دراز برای بهروزی زحمتکش ایران رزمیده اند..."

نماینده حزب کمونیست عراق در بریتانیا نیز در سخنرانی خود گفت:
"نهالی که حیدرخان در ایران کاشته و با خون خود آبیاری کرد امروز با خون شهدای جدیدی آبیاری شده و در آینده ای نه چندان دور به بار

خطر مرگ زندگی زندانیان سیاسی زن را تهدید می کند! برای نجات آنان شتاب کنید!

دانشگاه‌ها همچنان یک سنگر جوشان

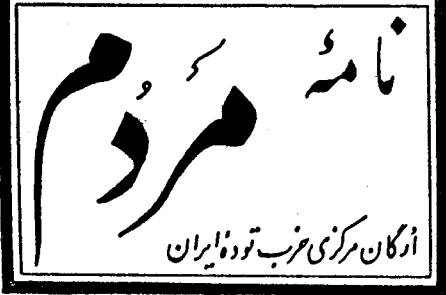
سال پیش در جریان سفر نیکسون به ایران پیش پای وی قربانی شدند عزم خود را در مبارزه بخاطر آزادی و ترقی اجتماعی به نمایش گذاردند و مخالفت خود با نظام سرمایه داری وابسته و گسترش مناسبات نابرابر و استقلال شکن با امپریالیسم جهانی را صریحا اعلام کردند.

موضع مترقی دانشجویان در قبال سیاست ارتجاعی رژیم خشم زعیای ج.ا.و را برانگیخته است. میزان این خشم آنچنان بالاست که برخی از اهرمداران اصلی رژیم حتی قادر به تحمل یکنانه تشکیلات رسمی دانشجویی "دفتر تحکیم وحدت" نیز نیستند و مسئله تحت پیگرد قانونی قرار دادن اعضای موثر آن را در محافل خود طرح می کنند. بدنبال بالا گرفتن مبارزات صنفی و سیاسی دانشجویان در ماههای اخیر وزیر کار آشکارا اعلام کرد که نباید اجازه داد تا دانشجویان "هر سر کمبودهای جزئی سر و صدا راه بیاندازند و از هر مسئله جزئی مسئله سیاسی ایجاد کنند" (کیهان ۱۰/۹/۶۷). از لحاظ قانونی و حقوقی مبارزات صنفی و سیاسی دانشجویان کوچکترین ربطی به وزیر کار ندارد و آنچه موجب هراس و خشم وی شده تأثیرگذاری متقابل و بلاواسطه جنبش دانشجویی، بقیه در ص ۲

سردمداران ج.ا.و همه تلاش خود را بکار بسته اند تا دانشگاه را به محیطی کاملاً بسته و بیگانه از امور سیاسی بدل سازند. از نقطه نظر حکام ج.ا.و علیرغم گفتار، قشر دانشجو "لاابح دخالت در امور سیاسی کشور" نیست و یگانه و تالیفه اش پرداختن به "درس و مشق" است.

زعیای رژیم از یکسوی کوششند تا از راهبایی دانشجویان دگراندیش به دانشگاه جلوگیری کنند. زیرا حضور آنها در دانشگاه راه مترادف با تبدیل این محیط پویای آموزشی به عرصه نبرد سیاسی علیه ارتجاع می دانند و از سوی دیگر تلاش می ورزند تا دانشجویانی را که از هفت خوان "آزمون ایدئولوژیکی" گذشته و به موسسات عالی آموزشی راه می یابند از سیاست دورنگه دارند.

اما واقعیتهایی که بویژه در دوره اخیر در موسسات آموزش عالی کشور روی داده موبد آن است که تلاش رژیم برای جداسازی دانشگاه از سیاست با شکست کامل مواجه شده است و دانشجویان کشور ما که اکثرشان از میان زحمتکشان و اقشار میانی جامعه برخاسته اند نقش شایسته ای در مبارزه علیه استبداد حاکم بر کشور ایفا می نمایند. دانشجویان، روز ۱۶ آذر سال جاری، ضمن گرامی داشت خاطره ۲۵ ساله دانشجوی شهید دانشکده فنی دانشگاه تهران که ۲۵



شماره ۲۴۲ دوره هفتم سال پنجم
شنبه ۱۳۳۷/۱۰/۲۷ بهای ۲۰ ریال

خیمه شب بازی جدید

این روزها بر سر "فعالیت احزاب و گروههای سیاسی" سر و صدای زیادی برآه افتاده است. رژیم از این سر و صداها دو هدف را دنبال می کند. یکی اینکه با تبلیغات فریبنده و وعده های بی اساس در زمینه فوق، افکار عمومی را از قتل عام زندانیان سیاسی کشور منحرف سازد. دیگر اینکه با تشکیل برخی احزاب فرمایشی و دادن حق السکوت فعالیت "علنی" و "آزاد" به نیروهای معینی که حاضرند بطور کژدار و مریز زیر لوای حاکمیت ارتجاعی در عرصه "سیاست" پرو بیانی داشته باشند، از دامنه تبلیغات ضد خود بکاهد. در عین حال رژیم می کوشد با یک سری حرکت های نمایشی نثر "محافل غربی" را به خود جلب کند. بنابراین، دادن آزادی سیاسی به احزاب و سازمانهای واقعا مستقل و دارای اسانامه و مرانامه مغایر با سلیقه خمینی و پیروان قدرتمند او در رأس حاکمیت ج.ا.و اصلا مطرح نیست. نمی توان صداها دگر اندیش را که "گناه" بزرگشان پای بندی به عقاید سیاسی و آرمانهای انقلابی خویش است خلق آویز کرد و یاد برآهر جوخه آتش فرار داد و در همان حال سخن از آزادی فعالیت احزاب گفت. بین این دو شیوه عمل تناقض وجود دارد و یکی دیگری را نفی می کند.

رژیم ج.ا.و مثل سلف خود، رژیم شاه، که وعده آزادی در چارچوب "رستاخیز" رامی داد، از نیروهای مورد نظر خود می خواهد "پا نیت های خالص اسلامی و ملی (!) در مسیر تحقق منافع ملت (بخوان: حاکمیت مطلق روحانیون و طرفداران آنان) گام بردارند". در غیر اینصورت به آنان تهمت افتادن "به کام بیگانگان و عوامل ناسازگار" زده خواهد شد، چنانکه همین امروز توده ایها را با چنین تهمتهای "سیا" ساخته ای در برابر جوخه تیرباران قرار می دهند. این در حالی است که خائنان و جاسوسان واقعی و دست پروردگان و ریزه خواران سازمانهای جاسوسی امپریالیستی، بویژه آمریکائی، حساس ترین و کلیدی ترین مسئولیت ها را در ج.ا.و به عهده دارند. بقیه در ص ۲

اعتصاب غذای زنان در آلمان غربی

اعلامیه هایی را حاوی هشدار، رپیرو، مون خطری که جان زنان زندانی سیاسی را تهدید می کند، پخش کردند.

- خواست های زنان اعتصابی عبارت بود از:
- توقف صدور احکام اعدام
- آزادی زندانیان سیاسی
- اعزام یک هیئت حقوقی و پزشکی بین المللی برای بررسی وضع زندانیان سیاسی.

در روزهای برگزاری اعتصاب، تعداد زیادی از سازمان های سیاسی و شخصیت های اجتماعی با زنان اعتصابی ابراز همبستگی کردند. این سازمان ها و شخصیت ها از طریق ارسال پیام هایی برای مجامع گوناگون بین المللی، پشتیبانی خود را از خواست های اعتصابگران اعلام داشتند. بقیه در ص ۵

در اعتراض به موج کشتارهای جمعی زندانیان سیاسی و کارزار همبستگی با فرزندان دریند خلق ایران و نجات زنان زندانی از سلول های مرگ، اعضا و هواداران تشکیلات دمکراتیک زنان ایران در کلن (آلمان غربی) دست به اعتصاب غذا زدند. این اعتصاب غذای سه روزه که صبح روز ۱۱ ژانویه آغاز گردید، عصر روز ۱۲ ژانویه پایان یافت.

شرکت کنندگان در اعتصاب غذا، در روز ۱۴ ژانویه در مرکز شهر کلن به تظاهرات پرداختند و

شادباش

رفیق ارجمند مهربان مهس بنام کمیته مرکزی حزب توده ایران انتخاب دوباره ات را به ست صدر "حزب کمونیست آلمان" شادباش می گویم. اعتقاد راسخ ما اینست، که حزب شما همچنان پیشگامانه در راه صلح و پیشرفت اجتماعی خواهد رزمید و در این مبارزه کماکان از همبستگی ما برخوردار خواهید بود.

دبیر اول، علی خاوری

مظهر حجب و از خود گذشتگی
در ص ۵

شهادت یک دانشمند مردمی
در ص ۴

ما راه پرافتخار شهیدان توده ای را ادامه خواهیم داد!

کنگره "حزب کمونیست آلمان" برگزار شد

بحث‌های سه روزه "نهمین کنگره" حزب کمونیست آلمان روز یکشنبه ۸ ژانویه با سخنرانی هربرت میس، صدر حزب، در فرانکفورت (ماهن) خاتمه یافت.

پیش از ۶۵۰ نماینده کنگره درباره وقایف حزب در پیکار در راه صلح، کار، حقوق دمکراتیک و پیشرفت اجتماعی به گفتگو نشستند.

از جمله مصوبات کنگره "نهم سندی" پیرامون وقایف حزب کمونیست آلمان در سال ۱۹۸۹ و فئالنامه ای درباره فراخواندن یک کنگره فوق العاده حزب در فوریه سال ۱۹۹۰ بود. کنگره "نهم" با ۴۶۵ رای موافق (از ۶۴۸ رای معتد) بار دیگر هربرت میس را به سمت صدر حزب برگزید.

نمایندگان کنگره همچنین به ترکیب ارگانهای رهبری حزب، "کمیسیون مرکزی نظارت" و "کمیسیون مرکزی دادرسی" رای دادند. هیئت رئیسه حزب اکنون ۹۸ عضو را در بر میگیرد. برخی از اعضای پیشین هیئت رئیسه این بار رای کافی بدست نیاوردند. از سوی دیگر، شماره نامزدهای این نهاد پیش از تعداد ضرور اعضا بود. نامزدهای انتخاب نشده فرصت آن را یافتند، که نظرات خود را در این باره ابراز دارند.

هربرت میس، صدر حزب، در سخنرانی پایانی خود بر عزم اکثریت نمایندگان بر تحکیم وحدت و همبستگی "حزب کمونیست آلمان" تاکید ورزید. به گفته وی، ضرور است، تا با اجرای فعالانه مصوبات کنگره در راه حل مسائل سیاسی - ایدئولوژیک درون حزب گام برداشته شود.

در کنگره "نهم" حزب کمونیست آلمان غربی ۵۲ هیئت نمایندگی خارجی، از جمله از حزب توده ایران، شرکت کردند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران در پیام گرمی به کنگره "نهم" حزب کمونیست آلمان "کامیابی کمونیستهای آلمان فدرال را در مبارزه برای صلح و پیشرفت اجتماعی" آرزومند شد. در این پیام به تفصیل درباره فاجعه ملی اعدام زندانیان سیاسی و کشتار جمعی رهبران، ناعلان و اعضای حزب توده ایران سخن آمده است. کمیته مرکزی حزب توده ایران "از همبستگی کمونیستهای آلمان غربی با پیکار دشوار حزب علیه ارتجاع و استبداد حاکم سیاسی" کرد و آنها و "همه نیروهای آزادی دوست آلمان فدرال و سراسر جهان را به اعتراض هر چه رساتر علیه جنایات بی سابقه رژیم خمینی" فراخواند.

در مصوبه کنگره "نهم" پیرامون وقایف حزب کمونیست آلمان در سال ۱۹۸۹ "از خلع سلاح و دمکراتیزاسیون همثابه هدفهای مشخصی یاد می‌شود، که می‌توان نیروهای اصلاح طلب را

به مامی نویسند

خبرهایی از زندان

* پس از پذیرش فئالنامه ۵۹۸ از سوی رژیم، قتل عام در داخل زندانها آغاز گردید. صدها زندانی قربانی دور جدید انتقام کشی رژیم از خلق شده اند. در سالهای اخیر در داخل زندانها هیچگاه فضا چنین خونبار نبوده است. جنایاتی که امروز در درون زندانها صورت می‌گیرد شاید در هیچیک از نقاط دنیا سابقه نداشته است. زندانیان در برابر این فشار بی سابقه و خشن و غیر انسانی دست به اعتراض می‌زنند. به گفته برخی مأموران زندان، در جریان این اعتراضات، کار به پر خورد می‌کشد و "تعدادی از زندانیان زیر دست و پا می‌روند". در پی اعتراض زندانیان، زندانبانان حکم صادر می‌کنند که کلیه زندانیان، نه تنها باید از اعتقادات خود دست بردارند، بلکه باید مسلمان شوند، نماز بخوانند و روزه بگیرند، توبه نامه امضا کنند و فیلم ویدئو بر کنند. هر زندانی که به این تحمیلات تن دهد، طبیعتاً می‌تواند تحت فشارهای جهنمی به زندگی خود در زندان ادامه دهد و در غیر این صورت باید منتظر عقوبت اعدام باشد. زندانیان با این اعمال فشارهای بدتر از دوران تفتیش عقاید قرون وسطایی مخالفت می‌کنند. جلادان رژیم برای زهر چشم گرفتن از دیگر زندانیان، شماری از زندانیان سر موضع و مقاوم را اعدام کرده و با درملاط عام از چرفقیل خلق آویز می‌کنند. و تعداد زیادی را به سلولهای انفرادی می‌فرستند. از ابتدای این قتل عام هر روزه تعدادی از زندانیان می‌کویند، یا توبه، مصاحبه، تفرغنامه و نماز و یا اعدام! در صورتیکه زندانی جواب "نه" بدهد، بلافاصله در مقابل هم‌بندیهایش بطور فجیعی به دار آویخته می‌شود. شلاق و شکنجه هم پیداد می‌کند. وضع غذا بسیار اسفناک است. به زندانیان تنها یک وعده غذای سرد می‌دهند. گاه این یک وعده غذا را هم به آنها نمی‌دهند.

از یکی از پندهای گوهر دشت که کمتر از ۴۰۰ زندانی دارد حدود ۱۰۰ زندانی به این طریق به قتل

پیرامون آنها گرد آورد و از این راه به مقابله با نیروهای تجاوزگر سرمایه انحصاری دست یازید.

تا کنگره فوق العاده حزب در سال ۱۹۹۰ بحث درباره طرح اسناد "جمهوری فدرال ۲۰۰۰" و "درباره" وضع و تحول آتی حزب کمونیست آلمان" ادامه خواهد یافت.

رسیده اند. سایر پندها نیز از ۵ تا ۱۰۰ شهید داشته اند.

* هم اکنون تعداد زیادی از زندانیانی که شرایط خفت بار و غیر انسانی زندانبانان رژیم را شهید برفته و در سلولهای انفرادی پسر می‌برند، منتظر اجرای حکم اعدام هستند. زندانیانی که اجازه ملاقات پیدا کرده اند، شدت از این رویدادهای شوم متأثر بوده اند. برخی شدت گریه می‌کرده اند و ... زندانیان در وقت ملاقات سر و روی شهیدا آنان برای خانواده‌ها قابل شناسایی نبوده اند. کم نیستند زندانیانی که در شتیجه" دیدن صفحه‌های فجیع اعدام رفقای خود، شدت شوکه و دچار حملات یا افسردگیهای شدید عصبی شده اند. اکنون از سرنوشت بسیاری از رفقای خیریم. خانواده‌ها در منزل منتظر تلفن یا نامه تعیین وقت ملاقات هستند و هر روز که می‌گذرد نسبت به زنده بودن زنده ماندن دلپندان خود بیشتر نگران و شومید می‌شوند. اعتراض به این جنایات وحشیانه که در تاریخ بی سابقه و غیر قابل توصیف است، از وقایف هر انسان آزاده در داخل و خارج از کشور است. مسلماً در آینده پرزگترین رمانها و داستانها درباره این جنایات وحشیانه رژیم و حماسه آفرینی‌های قهرمانان خلق فوشته خواهد شد.

* در هفته‌های اخیر، هر وقت با تشدید فشارها و جنایات رژیم در داخل زندانها، در سطح جامعه نیز شاهد بگیر و ببندهای بسیاری هستیم. در پورهای اخیر رژیم به نیروهای سیاسی، از جمله تعدادی از هواداران حزب دستگیر شده اند، یکی از علل این پوروش در واقع جلوگیری از افشاکری است.

* در زندانها سیل خون جاریست. تعدادی از زندانیان را در برابر چشم دیگر زندانیان به دار کشیده اند، از جمله رفیق نادر مهربان.

* هفته‌ای چند بار، سه ماشین بنز مشکی وارد اوین می‌شود. سرنشینان این ماشین را حتی زندانبانان اوین نیز نمی‌شناسند. آنها اسامی زندانیان اعدامی را به همراه می‌آورند. به هیچ خانواده‌ای وصیت نامه شهید تحویل داده نمی‌شود. بسیاری از زندانیان آنهاشان این بوده است که در سالهای زندان نه تنها "عوض" نشده اند، بلکه "به راه آمدگان را هم گمراه کرده اند".

* گفته می‌شود که از این پس رژیم افراد مبارز را ترور می‌کند.

کمکهای مالی رسیده:

- ح.ف از برلین غربی ۷۰ مارک
- م. از برلین غربی ۲۰ مارک

برقرار باد "جبهه آزادی و صلح"؛ سرنگون باد رژیم "ولایت فقیه"!

NAMEH MARDOM NO:242 17 January 1989

Addresses: 1. P.B.49034 10028 Stockholm 49 Sweden
2. Dr. W. SILBERMAYR, PF. 398, A-1141 WIEN, ÖSTERREICH



نشانی‌های ا. پستی